



به نام خدا

دو صد ضرب المثل شهرستان بستک

تالیف و گردآورنده :

سید ابراهیم کوخردی

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)
۱۴۰۱



سرشناسه: کوخردی، سید ابراهیم، ۱۳۵۶-
عنوان و نام پدیدآور: دو صد ضرب المثل شهرستان بستک / مولف سید
ابراهیم کوخردی.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص.
شابک: ۴۵۰۰۰۰ ریال: ۳-۹۳۲-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: شهرستان بستک - ضرب المثل ها
رده بندی کنگره: HM۶۶۱
رده بندی دیویی: ۳۰۳/۳۲۲
شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۰۱۰۷۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: دو صد ضرب المثل شهرستان بستک
مولف: سید ابراهیم کوخردی
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرایبی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱
چاپ: زبرجد
قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۳-۹۳۲-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir





مقدمه

یکی از بخش‌های مهم فرهنگ عمومی مردم ضرب‌المثل‌ها هستند که در جامعه رواج داشته و به مرور ممکن است به دست فراموشی سپرده شوند.

حفظ و نگهداری این بخش مهم فرهنگ مردم که نقش بسزایی در برقراری ارتباط ایفا می‌کند از اهمیت شایانی برخوردار است. ضرب‌المثل‌ها وسیله ارتباطی فرهنگی هستند که از زمان و مکان فراتر می‌روند و در زبان‌ها می‌چرخند و نسل به نسل منتقل می‌گردند. تجربه زبانی یک جامعه هستند و در خود شرایط زندگی، داستان‌ها و یا شاید افسانه‌هایی نهفته داشته باشند و گاهی همین ضرب‌المثل‌ها تجربه‌ای برای زندگی نیز خواهند بود. با هدف نگهداری و بهتر شناساندن ضرب‌المثل‌های معروف مناطق مختلف شهرستان بستک این مجموعه شامل ۲۰۰ ضرب‌المثل از مناطق بستک، جناح، فرامرزان، گوده، کوخرد و هرنگ جمع‌آوری شده است که تقدیم به علاقمندان به فرهنگ و ادب شده است.



مجموعه پیش رو با همکاری و حمایت اداره کل ورزش و جوانان استان هرمزگان انجام شده و مجری این طرح فرهنگی، موسسه مردم نهاد گردشگران میراث بستکيه بوده است.

لازم است از کلیه عزیزانی که در تهیه و جمع آوری، مجوز، چاپ و انتشار این مجموعه با ما همکاری نمودند تشکر نماییم.

در پایان از اساتید و اهالی فرهنگ و ادب، محققین، دانشجویان و علاقمندان تقاضا می‌شود نقطه نظرات و راهکارهای خود را جهت پربارتر نمودن این مجموعه به ما منعکس نمایند تا در چاپ های آینده مد نظر قرار گیرد.

با سپاس - سید ابراهیم کوخردی

مرداد ماه ۱۴۰۱



تش ته تی بکت ، چش ته تی نکت

آتش بگیریه آدمی بهتر از این است که بهش حسودی کنند

به دست امدده ، به پا باید ش دو اچم

با دستان خودم می دهم و برای برگرداندنش بایستی با پا

دنبالش بدوم





تنبل نرو به سایه ، سایه خودش می آیه

تنبل به خاطر تنبلی بلند نمیشه که بره توی سایه و به انتظار
اینکه سایه خودش می آید سرجاش می شینه

کچل اگه روغن اشدن شه کله خوش اکشی

کچل اگه داوش دن ، شه سر کچل خوش اکشی

طرف اگر چیزی می دانست کاری برای خودش می کرد



یک بار جستی ملخک ، دوبار جستی ملخک ، بار سوم کف
دستی ملخک

زار خراشندن، دارا پرون ازندن
توانایی مقابله با خرا را ندار و هی به پلان خر چوب می زنه



گزاکنء ، کنار اشناسی

گودال برای درخت گز می کند اما درخت کنار می کارد
کنایه از لاف زدن و کسی که زیاد لاف می زند

گپ ، گپ اتاری

صحبت کردن ، صحبت کردن به دنبال خود می آورد



بار راست از خر اکودت

آدمی که مانع کار خیر می شود

آو شرننگ نه مور خون

آب شیرین برای خر نیست

کنایه از آدم بی لیاقت



گلی که بو اشنبی ، چانه خار هم نی
گلی که بو ندارد مانند خار هم نیست
کنایه از دوست و رفیق نامناسبی است که تنها تظاهر به
دوستی می کند

گپش چرب و کاسه ش هسک
کلامش چرب است و کاسه اش خشک
کنایه از آدم بخیل و خسیس است



کیزه گر هاوش از بوکلن

کوزه گر آبش از کوزه شکسته است
کوزه گری که خود از کوزه شکسته آب می خورد
کنایه از آدم بخیلی است که حتی به خودش هم نمی رسد و
به رفاه و آسایش خویش توجهی ندارد .



گوشت از ناخن سوا ناییت

یعنی گوشت از ناخن جدا نمی شود
کنایه از این است که فرزند و مادر و خواهر و برادر و قوم
خویش هر چه قدر با هم اختلاف داشته باشند باز هم به
خاطر قرابتی که دارند در سختی ها همدیگر را رها نمی کنند .





خرمه میر بهار ابیت ، پمیزک و اکال ابیت

کنایه از انتظار و صبری بی فایده دارد

گاه گاه می شود ، شنبه به نوروز

خیلی کم پیش می آید که شنبه و نوروز با هم باشند

اشاره به این است که بعضی از اتفاقات تکرار نشدنی هستند و

به ندرت اتفاق می افتد



سنگینی بی بی از بی چدرین

سنگین بودن طرف از بی چادری است

اشاره به این دارد که طرف به خاطر اینکه چادر ندارد در خانه

می ماند نه به خاطر سنگینی و وقارش

ته وا معنی پاتیل ناکرکن

تاوه نمی تواند از دیگ بد گویی کند

اشاره به این است که تا زمانی که آدمی خودش بد باشد

نمی تواند از دیگران بد بگوید



مرگ خرون ، عیش سگون

مرگ خرها ، خوشحالی سگها است

اشاره به انسانهای سودجو است که به خاطر منفعت خود، به زیان دیدن دیگران خوشحال می شوند.

کاچه لکی مه دور دری که ، دری مه سروری که

تکه پارچه ای به دور چوبی پیچیدم و چوب را تبدیل به چیز با ارزشی کردم

اشاره به این است که اگر به چیزی رنگ و رو دهی بالاخره خوب از آب در می آید



زن بابا اگر شاهزاده باشد ، که آخر دشمن پی زاده باشد
زن بابا اگر شاهزاده باشد باز هم با نافرندی اش دشمن
می شود
اشاره به این است که بعضی شخصیت های بد در هر لباسی
که باشند بد خواهند بود

عقرب کور

اشاره به انسان های بد اخلاق



چشوش ا عقرب کور امونت

چشم‌هایش مانند عقرب کور می ماند

یعنی بسیار انسان بد اخلاق و تندخوی و خشنی است

بت برنجی

اشاره به انسان‌های ساکت می باشد



سکینه ی جا سنگی

اشاره به آدم‌هایی دارد که تنبل هستند و از جایشان به آسانی بلند و جابجا نمی‌شوند

لاز که زرد اوایت ، بی بی جلد اوایت

آفتاب که در حال غروب کردن است شخص شروع به عجله کردن می‌کند
اشاره به این است که شخص تنبل تا آخر وقت نشود ، کارش را شروع نمی‌کند.



ماشک از خوش و شک

کنایه از کسی است که بدگمان است و همیشه فکر می کند
دیگران او را مسبب کارها می دانند

هر جا خویشن ، بلا بیشن

یعنی هر جایی که بیشتر فامیل حضور داشته باشند بلا و
مصیبت بیشتر خواهد بود



به خر شیر و شکر دادن چه مصرف ، ادب با یاد خر دادن چه

مصرف

یعنی هر چه نصیحت یک نفر بکنی که گوش شنوا ندارد

فایده ای نخواهد داشت

هر چه بیش از حد بود ، کج بود

یعنی هر چه هر کاری را بیشتر از اندازه انجام بدهی آن کار

خراب خواهد شد



بر گرگ ، سوار خر شونکرده

یعنی گرگ را سوار خر کرده اند

کنایه از این است که آدم دزد را کنار امانت گذاشته اند

دستم بی نمکه و هر که بکنم ننگه

یعنی هر چه خوبی به کسی بکنم بهم بد می کنند
